

پایان
محکومیت
او در زندان
مصادف بود
باسال‌های
جهاد در
افغانستان و
رفتن عده‌ای
از جوانان
اسلام‌گرای
جهان عرب
به این کشور
برای مبارزه با
ارتش شوروی
و پیدایش
پدیده‌ای به
نام عرب-
افغان

علمای کبار سعودی و عبدالعزیز بن باز تکفیر شد. وی در سال ۱۹۹۵ به دعوت جمعی از سران مجاهدین سابق به افغانستان بازگشت و در جلال‌آباد استقرار پیدا کرد. با پیدایش طالبان و قرارگرفتن جلال‌آباد در حوزه حکومت طالبان، بن‌لادن موفق به جلب رضایت ایشان برای ماندن در افغانستان شد و تشکیلات خود در این کشور را گسترش داد (هرچند طالبان سعی در محدود کردن فعالیت‌های بین‌المللی او داشتند). از سوی دیگر موج مجاهدین مهاجر از مصر نقش مهمی در میان عرب-افغان‌ها داشتند. در واقع پس از اعدام سید قطب در سال ۱۹۶۶ عده‌ای از جوانان طرفدار جنبش اسلامی در مصر، فعالیت اخوان المسلمین را محافظه‌کارانه خواندند و در دهه هفتاد میلادی روی به تأسیس گروه‌های جدید آوردند: سازمان آزادی‌بخش اسلامی به رهبری صالح سریه (اهل فلسطین و دارای دکترای روانشناسی)، جهاد اسلامی (به رهبری محمد عبدالسلام فرج)، جماعت اسلامی (به رهبری کرم زهدی) و جماعة المسلمین (معروف به تکفیر و الهجرة به رهبری مصطفی شگری که اندیشه‌های افراطی آنان مورد اعتراض محمد قطب نیز قرار گرفت). گروه‌های جهاد اسلامی و جماعت اسلامی با مشارکت یکدیگر موفق به ترور انور سادات - امضاکننده معاهده کمپ دیوید با رژیم صهیونیستی - شدند ولی بعد از آن عملیات، حکومت توانست به سرکوب گسترده این دو گروه اقدام کند. بقایای این دو سازمان (بیشتر جهاد اسلامی) خود را به افغانستان رساندند و یکی از شاخه‌های اصلی جریان عرب افغان شدند، البته همچنان شاخص بودن و تمایز ایشان از سایر عرب-افغان‌ها برجسته و واضح بود. جهاد اسلامی به رهبری ایمن الظواهری بعدها با القاعده ادغام شد و سازمان حاصل از این ادغام ابتدا «جبهه بین‌المللی جهاد علیه یهود و صلیبیون» و سپس «قاعده‌الجهاد» نامیده شد.

مواضع و افکار الظواهری

طرز تفکر ظواهری شدیداً تحت تأثیر میراث فکری اخوان المسلمین و بویژه آثار و اندیشه‌های سید قطب و محمد قطب شکل گرفته بود و رویکرد بازگشت به اسلام نخستین و وحدت و تقویت جهان اسلام در مقابل تمدن غرب دوستون اصلی اندیشه وی در سال‌های جوانی و میانسالی شده بود. ایمن الظواهری نیز در مهم‌ترین کتاب خود با نام «فرسان تحت رایة النبی (ص)» به انقلاب اسلامی ایران تلویحاً به صورت مثبتی اشاره کرده [۵] و همچنین پس از شهادت فتحی شقاقی، مجاهد بزرگ فلسطینی و بنیانگذار جنبش جهاد اسلامی فلسطین، پیام مهمی در مورد «شهادت» وی صادر کرد: «جهاد اسلامی مصر به خاطر شهادت برادر فتحی شقاقی، تسلیم می‌گردد. ما از خدای متعال می‌خواهیم که اعمال صالح و شهادت وی را قبول کند و ما همقطاران وی را در جهادشان حمایت می‌کنیم. ما به برادرانمان و تمام مجاهدان تأکید می‌کنیم که جهاد، راه شهادت است و فتحی شقاقی لیاقت این افتخار را داشت. ما او را یک مجاهد واقعی می‌دانیم که با یهودی‌ها می‌جنگید و حقارت و تسلیم را نپذیرفت. از خدا می‌خواهیم که ما را در راه جهاد حفظ کند.» [۶]

این در حالی است که شیفتگی فتحی شقاقی نسبت به امام خمینی (ره) و گرایش کامل وی نسبت به انقلاب اسلامی ایران بر هیچ‌کس پوشیده نبود. علت این امر در این است که برخلاف برخی اقوال مشهور اما غیرکارشناسی از تفکر سید قطب (به عنوان تأثیرگذارترین متفکر بر الظواهری) ضدیت با شیعه در نمی‌آید (هرچند ممکن است کسی متأثر از قطب باشد اما از